

نظریه
دانشجوی
ایرانی

خیانت به علم



کتاب جلال آل احمد با عنوان در خدمت
و خیانت روشنفکران رو رها کنید اکنون مسئله
فاجعه بارتتر از خیانت به سرزمین هست .

اکنون مسئله خیانت به علم اصل قضیه هست .

در ابتدا این مطلب رو اشاره کنم که آنچه
شما تا بحال در مورد نظریه پردازی شنیده اید
در مقابل آنچه نشنیده اید بسیار کوچک است.
در واقع ناگفته های نظریه پردازی بسیار بیشتر
و مهم تر از گفته ها ناکنون بوده است و ما در
این راستا خلاصه ای را می آوریم که تشریح
آن تالیف یک کتاب خواهد بود به نام در خیانت
به علم

ولی از آنجا که به ما رانتهی بابت تالیف تعلق
نمی گیرد، معلوم نیست در آینده بشود کتابی
تالیف نمود یا خیر به همین دلیل من خلاصه و
سرفصلهای آنرا به صورت نشر فضای مجازی
ارائه می دهم.



سقراط پایه گذار فلسفه با سوفسطایان یونانی مبارزه با ابزار
مناظره را شروع نمود و به آنها نشان داد که علم و فقط علم قابل
اثبات است و جهل و سفسطه قابل رد است و علمی به نام فلسفه که
روش درست اندیشیدن و روش صحیح استنتاج و نیافتادن به گرداب
سفسطه را می آموخت پایه گذاری نمود.

در همان طلیعه ظهور علم فلسفه راستین خیانت به علم آغاز شد.
روح یونانیت سفسطه پرست در خشکی حقیقت علم راستین را بر نتافت
و سلطه جویان سوفسطایی یونانی دست به خیانتی آشکار به علم
زدند و پایه گذار فلسفه را به نوشیدن جام شوکران محکوم ساختند.
و اولین نطفه خیانت علمی شکل گرفت.
به دست روح سفسطه گر حاکم بر جامعه یونانی



تعجب نکنید اگر تمدن یونانی با تمدن ایرانی سرسازش نداشت آنان نه فلسفه راستین سقراط و نه حقیقت متجلی سرزمین ایران را نمی توانستند تحمل نمایند و شاید به همین دلیل با ایرانیان هخامنشی سرسازش نداشتند .
و در نهایت روح حقیقت جوی ایرانی اسیر چنگال اسکندر سلطه جوی یونانی گردید.

زمانی دیگر تمدن رومیان با پیشینه روح یونانیت پا به عرصه گذاشت و عیسی مسیح (ع) مامور هدایت این نو یونانیت رومی گردید.
انجیل بر عیسی (ع) نازل گردید و حضور علم و حقیقت در این کتاب باز هم تبلوری خیره کننده یافت و دوباره خیانت یهودا به عیسی (ع) سر آغاز تحریف حقیقت گردید. و در خلا عیسی تحریف انجیل آغاز گردید.



و این خیانت دیگری به علم بود . تحریف کتاب عیسی پیامبر (ع) به دست مسیحیان و مشوش ساختن خلوص حقیقت و علم ماموریت دیگری بود که روح یونانیت نمود خود را در آن آشکار ساخت.

اکنون انجیل به بیش از چهار کتاب تبدیل شد که هیچ یک شبیه دیگری نبود. و تحریف انجیل خیانتی آشکار به علم حقیقی بود.

مدتهای مدیدی مسیحیان در قرون وسطا گرفتار تحریفات پیشینی خود بودند و نزول قرآن و پیدا شدن رقیبی بسیار معجزه وار برای انجیل های تحریفی مسیحیان و مخصوصا شکوفایی مجدد تمدن در سرزمین ایران دوباره روح یونانیت را به تکاپو انداخت تا دوباره خود را از چنگ تحریفات خود ساخته به شکلی رها سازد و همسو با تمدن ایرانی پیش رود. رنسانس عصر نوزایی برای روح یونانیت متکی بر رقابت با تمدن علمی ایران شکل گرفت و رقابت علمی شدیدی با ایرانیان را شروع نمودند.

روح علمی ایرانیان خلوص حقیقت را متجلی ساخته بود و روح یونانیت در تضاد با خلوص علم ایرانی قرار داشت با این حال رنسانس آغاز شکوفایی تمدن مدرنیته بود.



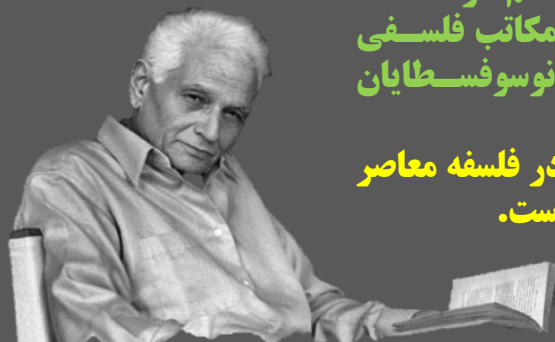
ابتدای مدرنیسم روح یونانیت بیشتر در قالب هنر بود و تحول اجتماعی حرکت علمی نمود روح یونانیت را کم رنگ تر نموده بود. در آن اوایل فلاسفه راستینی چون دکارت و کانت پا به عرصه نهادند و فلسفه مدرنیته را پایه گذاری نمودند.

گرچه تناقض در ذات مدرنیته نهادینه شده و وقتی به اوج می رسد آشکارتر می گردد. اما با اینحال

اوایل رنسانس روح علمی غالب تر از روح یونانی است. اما پس از گذشت قرون گوناگون و ورد بشر به دوران پسا مدرنیسم دوباره نوسوفسطایان با ادعای فلسفه پا به عرصه می گذارند و فلسفه معاصر پسا مدرنیسم را از روح سفسطه پرست نو یونانیان سرشار می سازند.

شکل گیری فلسفه پسامدرنیسم در فلسفه غرب معاصر در بسیاری از مکاتب فلسفی شکل گیری دوباره روح نوسوفسطایان یونانی می باشد.

و این حضور نوسوفسطایان در فلسفه معاصر غرب خیانت دیگری به علم است.



همه آنچه در مورد خیانت علمی گفتیم در مقابل آنچه خواهیم گفت کوچک است.

بزرگترین خیانت علمی چگونه اتفاق می افتد .

بعد از صد سال کش وقوس تاریخ معاصر ایران با تمدن مدرنیته غربی در ایران انقلاب اتفاق می افتد و تمدن غربی در مقابل پدیده ای نواز تمدن ایرانی قرار می گیرد.

اگر به تمدن ایرانی که صد سال برای سرکوبش برنامه ریزی شده بود اجازه پاکرفتن بدهند دوباره با ید شاهد برتری تمدن ایرانی در مقابل تمدن غرب معاصر گردند مخصوصا که فیلسوف بزرگ پسامدرنیسم فرانسوی فوکو اعلام نمود که انقلاب ایران دارای ماهیت پسامدرنیسم است و این قطعا خطری برای تمدن مدرنیسم محسوب می کردید از این جهت که روح یونانیت حاضر به تحمل هیچ رقیبی برای خود نیست .

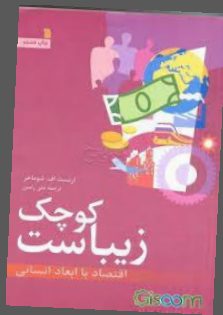
آنها هر گونه تلاشی نمودند و مبارزه برای براندازی که دیگر مثنوی هفتاد من کاغذ رو همه خوب می دانید.

اما ان برنده ترین سلاح رو چرا اینجا به کار نبرند همان سلاحی که برای سقراط استفاده شد . خیانت علمی، همان سلاحی که برای تحریف انجیل به کار گرفتند.

و بزرگترین خیانت علمی به این سرزمین تحمیل شد.

. ترور یا مرگ مبهم نظریه پردازان انقلاب مثل استاد مطهری یا دکتر شریعتی یا شهید بهشتی و جایگزینی نظریه پردازان ترجمه گرای جعلی. این جابجایی نظریه پردازان راستین با نظریه پردازان جعلی می توانست اونها رو در موضع مدعی نگهدارد. و این بزرگترین خیانت علمی نبود.

بزرگترین خیانت علمی نسبت به این سرزمین وقوع یافت. اگر اساتیدی می یافتند که دست به سانسور دستاوردهای جدید علوم نوین انسانی یا اقتصادی بزنند آنگاه بزرگترین خیانت علمی به یک سرزمین اتفاق می افتاد. انها پس از جابجایی نظریه پردازان جعلی با اصلی برنده ترین سلاح خود را رو کردند. خیانت علمی و سانسور علمی و بایکوت موضوعات موثر علمی از محیط علوم انسانی دانشگاههای این سرزمین.



استاد اقتصادی رو حمایت نمودند که نظریات کهنه تدریسی می کند
و دستاوردهای نوین اقتصادی رو سانسور می کند.
محض مثال کتاب کوچک زیبا است رو همان اساتید جعلی یا ندیده اند یا نخوانده
اند یا درک ننموده اند.
هیچ سخنی از نظریات نوین اقتصادی در رشته های اقتصاد این سرزمین
نیست به موهبت اساتیدی که علم را سانسور می نمایند.

بزرگترین خیانت علمی در سرزمین ایران اتفاق افتاده و ان سانسور علوم انسانی
موثر است دانشجوی اقتصاد ایرانی هیچ برداشتی از علوم اقتصادی استاندارد
جهانی ندارد چرا چون استاد داره نظریه ناکارآمد منقضی شده ادام اسمیت
رو تزیین و بزرگ می کنه . یکی از همین اساتید که در تطهیر جنایات صهیونیزم
کتاب تالیف نموده در تطهیر نظریه ادام اسمیت هم ید طولایی دارد. و این
سانسور علمی است. ده ها نظریه کاربردی توانمند بعد از اسمیت ارائه شده.
و اینجاست که تلخ ترین طنز جامعه ما اتفاق می افته .
تلخ ترین طنز جامعه ما این نیست که بعضی اساتید شیفته آمریکا هستند که
اختلاف نظر طبیعی است. تلخ ترین طنز این است که اساتیدی که غرب گرا
هستند علوم غربی رو سانسور می نمایند. و موضوعات نوین رو بایکوت نموده
اند. لیستی بلند بالا از موضوعات سانسور شده علمی در رشته اقتصاد وجود
دارد.
و سانسور علوم نوین اقتصادی (که باعث ناکارآمدی اقتصادی می گردد.)
بزرگترین خیانت علمی به این سرزمین است.

دانشجوی ایرانی معترف به قلت دانش